



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

## Populism in Criminal Politics in the Trial Stage and Ways to Limit It

Mohammad Hadi Izadi<sup>1</sup>, Mahmoud Ashrafy\*<sup>2</sup>, Mahmoud Malmir<sup>3</sup>

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 391-404**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0001-5628-0978

**TELL:** +983135002000

**Email:** mahmood.ashrafy@yahoo.com

**Article history:**

**Received:** 29 Oct 2023

**Revised:** 26 Dec 2023

**Accepted:** 31 Jan 2024

**Published online:** 20 Feb 2024

**Keywords:**

*Populism, Criminal Policy, Trial, Fair Trial, Principle of Equality of Arms.*

### ABSTRACT

Populism is one of the approaches that affects criminal policy in different stages of preliminary investigation, trial and sentencing and execution of the sentence. Considering the important role of populism in criminal politics and at the same time the important place of proceedings in the realization of judicial justice, the purpose of this article is to investigate populism in criminal politics in the stage of proceedings and the ways to limit it. The upcoming article is descriptive and analytical, and the library method has been used to investigate the mentioned topic. The results indicate that populism in Iran's criminal policy has become more prominent in several areas of economic crimes, violent crimes, crimes against public modesty, and crimes against drugs. In some cases, the attitude of the criminal justice system towards the suspects, accused and convicted of these crimes is based on popular policies and away from the principles and standards governing criminal law, in such a way that it considers the accused and criminals as the only cause of committing the crime. In Iran's criminal law, populism in criminal politics during the trial stage has accelerated the trial in a hasty manner, which causes the disregard of principles such as the principle of equality of arms and fair trial in general. Creating transparency in the proceedings and the need to adopt a minimal approach is the most important solution to limit populism in criminal politics at the stage of proceedings.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Ashrafy, M; Izadi, MH & Malmir, M (2024). "Populism in Criminal Politics in the Trial Stage and Ways to Limit It". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 3(5): 391-404.



انجمن علمی فقه‌برای تطبیقی ایران

# فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌برای تطبیقی

دوره سوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۲

## بررسی پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی و راهکارهای تحدید آن

محمدهادی ایزدی<sup>۱</sup>، محمود اشرفی<sup>۲\*</sup>، محمود مالمیر<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

### چکیده

پوپولیسم از رویکردهایی است که سیاست جنایی را در مراحل مختلف تحقیقات مقدماتی، دادرسی و صدور حکم و اجرای حکم تحت تأثیر قرار می‌دهد. باتوجه به نقش مهم پوپولیسم در سیاست جنایی و در عین حال جایگاه مهم دادرسی در تحقق عدالت قضایی، هدف مقاله حاضر بررسی پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی و راهکارهای تحدید آن است. مقاله پیش رو توصیفی - تحلیلی است و از روش کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع مورد اشاره استفاده شده است. نتایج بر این امر دلالت دارد که پوپولیسم در سیاست جنایی ایران در چند حوزه جرایم اقتصادی، جرایم خشونت‌بار و جرایم علیه عفت عمومی، جرایم علیه مواد مخدر بیشتر نمود پیدا کرده است. در برخی موارد، نگرش نظام عدالت کیفری به مظنونان، متهمان و محکومان این جرایم، مبتنی برسیاست‌های عامه‌پسند و به دور از اصول و موازین حاکم بر حقوق کیفری است، به‌گونه‌ای که متهمان و مجرمان را تنها عامل ارتکاب جرم تلقی می‌کند. در حقوق کیفری ایران، پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی باعث تسریع در دادرسی به‌شکل عجولانه آن شده که این امر سبب نادیده‌گرفتن اصولی چون اصل برابری سلاح و در کل دادرسی عادلانه می‌گردد. ایجاد شفافیت در دادرسی و ضرورت اخذ رویکرد حداقلی مهم‌ترین راهکار تحدید پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹۱-۴۰۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکید: ۰۹۷۸-۰۵۶۲۸-۰۰۰۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۱۳۵۰۰۲۰۰۰

ایمیل: Mahmood.ashrafy@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

پوپولیسم، سیاست جنایی، دادرسی،

دادرسی عادلانه، اصل برابری سلاح.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

واکنش به جرم در طول تاریخ همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است، به طوری که در گذشته هدف از مجازات، انتقام‌جویی، سزادهی و ارباب بوده است و از آنجایی که پاسخ به جرایم منطبق با قانون نبود و مطابق با میل حاکمان بوده است، عملاً مجازات‌های غیرانسانی بر مجرمان تحمیل می‌شد، اما رفته‌رفته رویکردها اصلاح‌گرایانه جایگزین دیدگاه‌های کاملاً سزایانه شد. با این حال هنوز هم تحت تأثیر پوپولیسم، سیاست‌های کیفری بیش از آنکه بر پایه مبانی علمی و کارشناسی تدوین و اجرا شوند، با هدف کسب آرای عمومی و جلب نظر عامه مردم تصویب می‌شوند. پوپولیسم کیفری فرآیندی است که در آن مطالبات مردم در برقراری نظم و قانون بر دیدگاه‌های نخبگان و علمای حقوق کیفری و جرم‌شناسی بنابر ملاحظات سیاسی و یا دیگر انگیزه‌ها غلبه پیدا می‌کند. مجموعه عوامل مختلف باعث شده از این رویکرد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جریان‌های تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری کیفری کشورهای مختلف یاد شود. در واقع مجموعه عوامل مختلف مانند افزایش احساس ناامنی در نتیجه بازنمایی رسانه‌ای اغراق‌آمیز حوادث جنایی، سیطره گفتمان سیاسی بر سیاست‌گذاری کیفری و بی‌اعتمادی نسبت به کارآمدی الگوهای اصلاحی و بازپرورانه باعث شده، رویکرد پوپولیسم جنایی قضایی به حوزه سیاست‌گذاری کشورهای مختلف نفوذ کرده و سیاست‌مداران از روش‌های آن استفاده کنند. مسأله مهم اینجاست که از آنجایی که پوپولیسم کیفری و قوانین ناشی از آن مبتنی بر احساسات و فاقد مبانی علمی است، نمی‌تواند در درازمدت و به‌طور پایدار پدیده جنایی را در جامعه کنترل کند. از این رو برای دوری کردن از تصویب قوانین عوام‌گرا، لازم است این قوانین به چالش کشیده شوند تا قانون‌گذاران و متولیان سیاست کیفری و تأمین امنیت با ریشه‌یابی علمی پدیده جنایی به مبارزه با این پدیده بپردازند و قوانینی تصویب کنند که مبتنی بر نظریات علمی باشند و از نظر نخبگان در تصویب قوانین استفاده کنند و با پیچیده و تخصصی‌دانشتن مسأله پدیده جنایی و واکنش به آن از دخالت‌دادن نظر عوام و مردم عادی در تصویب قوانین خودداری کنند. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این

سؤال مهم است که جلوه‌های پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی چیست و راهکارهای تحدید آن کدام است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، پوپولیسم در سیاست جنایی بررسی شده، سپس پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی تبیین و تحلیل شده و درنهایت راهکارهای تحدید پوپولیسم در سیاست جنایی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱- پوپولیسم در سیاست جنایی

رویکرد پوپولیسم کیفری از سازوکارهای مانند توجه بیش‌ازحد به کارکرد اخلاقی کیفر، دوری‌گزینی از معیارهای عینی و ترجیح ضابطه ذهنی در سیاست کیفری، برجسته‌سازی نقش حمایتی حقوق کیفری و سیاسی‌نمودن آن، غلبه رویکرد امنیت‌گرایانه بر قانون کیفری، استفاده تاکتیکی از ابزار کیفری، نبود استراتژی پاسخ، تأکید بیش از حد بر مفهوم خطر، توسل به جرم‌انگاری‌های مبهم رسمی و اجرایی، در جهت گسترش قلمرو کیفری با تأکید بر شدت آن، گام برمی‌دارد (مقدسی، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۲). تمایل سیاست‌گذاران و دولتمردان برای درپیش‌گرفتن رویه پوپولیسم در تدوین برنامه‌های کیفری و وجود شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ویژه، نقش به‌سزایی در نفوذ این رویکرد در نظام عدالت کیفری داشته است، لذا بسترها و زمینه‌های از برون و درون نظام عدالت کیفری در نفوذ این رویکرد در این نظام، بسیار اثرگذار بوده است. اندیشه سزاگرایی عمومی، احساس ترس و ناامنی، بازنمایی رسانه‌ای رخدادهای جنایی، تضعیف الگوهای دولت‌رفاه به‌عنوان بسترهای اساسی بیرونی و ایده مدیریت‌گرایی در عدالت کیفری، رویگردانی از آموزه اصلاح و درمان، واقع‌گرایی حقوقی و نگرش بی‌اعتمادی در نظام عدالت کیفری به‌عنوان بسترهای اساسی درونی، تأمین نظم و امنیت را به خواست عمومی جلوه‌گر می‌نماید. برای نمونه، پوشش رسانه‌ای موضوعات سیاست‌گذاری ویژه، باعث شده سیاست‌مداران، مجریان، گزارشگران به این موضوع توجه کنند که چگونه می‌توانند به نیازمندی‌های بزه‌دیدگان پاسخ بهتری دهند (شرماک، ۱۳۹۳: ۷۶۹/۱)، در نتیجه ادبیات تند، تهاجمی و تحقیرآمیز نسبت به متهمان و مجرمان (دل‌ماس مارتی، ۱۳۹۰: ۱۰۱۲) گسترش یافت و بدین‌ترتیب گفتمان

عمومی تبدیل شوند، در نتیجه در کشورهایی که تحت تأثیر پوپولیسم جنایی قضایی قرار گرفته‌اند، عموماً خصوصیات و ویژگی‌ها پوپولیسم در سیاست جنایی قضایی این جرایم، مشاهده‌پذیر است.

## ۲- پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی

قانون آیین دادرسی کیفری، صرف نظر از جنبه فنی - حقوقی آن، حامل گفتمان یا گفتمان‌های در پهنه حقوق و آزادی‌های فردی و نیز حقوق جامعه است و برخلاف قانون مجازات که «منشور کبیر بزهکاران» تلقی می‌شود، در واقع «منشور بزرگ ناکردگان بزه» محسوب می‌گردد، زیرا مقررات آن برائت‌محور است و با رویکرد منصفانه تنظیم می‌شود و به تصویب می‌رسد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۶: ۶۰۵) و به همین علت به آن «قلب حقوق» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۵: ۸۱) گفته می‌شود، اما ممکن است تحت تأثیر پوپولیسم کیفری، اصول دادرسی در برخی پرونده‌ها به دلیل پیوند خوردن با افکار عمومی، رعایت نشود و این پرونده‌ها به صورت سریع رسیدگی شوند. همچنین جرایمی که احساسات عمومی را خدشه‌دار می‌کند، مثل قتل‌های در ملأعام، تجاوز به عنف و ...، تحت تأثیر پوپولیسم، معمولاً رسیدگی به آن‌ها خارج از نوبت صورت می‌گیرد.

## ۲-۱- سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در حوزه جرایم اقتصادی

جرایم اقتصادی، یکی از معضلات اجتماعی حال حاضر در کشورهای مختلف است. با توجه به دشوار بودن تعریف جرم اقتصادی، از معیارهای متعددی برای تعریف این مفهوم استفاده می‌شود (حسینی و مهر، ۱۳۹۴: ۶۹-۴۵). به همین علت، گاه‌ا از روش تبیین حصری مصادیق برای تعریف این جرم استفاده شده است (ابراهیمی و صادق‌نژاد نآیینی، ۱۳۹۲: ۱۷۴-۱۴۷).

امروزه تعقیب این جرایم، پیشگیری و کاهش صدمات ناشی از آن‌ها، به‌ویژه پس از بحران اقتصادی معاصر، از اهمیت بسیاری برخوردار گشته است (محسنی، ۱۳۹۶: ۲۵۰)، هرچند در دیگر کشورها در حوزه جرایم اقتصادی، ویژگی‌های رویکرد پوپولیسم کیفری کمتر مشاهده‌پذیر است (Tonry, 2004: 518; Hancock, 2004: 56)، ولی شرایط خاص

دشمن‌انگاری متهمان و مجرمان تقویت گردید تا تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سخت‌گیرانه (مهر، ۱۳۹۵: ۱۶۷-۱۶۴) توجیه‌پذیر شود.

نظام عدالت کیفری ایران مانند بسیاری از کشورها، به‌ویژه در سال‌های اخیر، پذیرای رویکرد پوپولیسم بوده است، به‌گونه‌ای که می‌توان جلوه‌های آن را در حوزه جرایم جنسی و خشونت‌آمیز، جرایم اقتصادی و جرایم مواد مخدر مشاهده کرد، زیرا این‌گونه جرایم از رؤیت‌پذیری بالا و بازتاب رسانه‌ای بیشتری برخوردارند. نفوذ پوپولیسم کیفری به حوزه این جرایم باعث شده است تا با برخوردهای کیفری سخت‌گیرانه، احساسی و مبتنی بر حوادث مجرمانه روبه‌رو شوند. این در حالی است رویکرد پوپولیسم کیفری مبتنی بر معرفت عامه و نه عملی است (ادهمی و فتحی، ۱۳۹۱: ۱۷۸-۱۵۷).

مطالعه سیاست جنایی قضایی نظام‌هایی که تحت تأثیر پوپولیسم جنایی قضایی قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد عوامل متعددی در ظهور جلوه‌های رویکرد پوپولیسم جنایی - قضایی مؤثر بوده‌اند. در این میان میزان بازنمایی رسانه‌ای جرایم، نقش به‌سزایی در تأثیرپذیری یا عدم تأثیرپذیری سیاست جنایی قضایی یک جرم از پوپولیسم جنایی قضایی داشته است. جرایمی که شانس بیشتری برای بازنمایی رسانه‌ای دارند، ترس و احساس ناامنی مردم را افزایش داده و افکار عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند. اهمیت یافتن یک جرم از دید افکار عمومی، باعث می‌شود سیاست‌مداران به منظور بهره‌برداری سیاسی و کسب مقبولیت و جلب آرای عمومی، سیاست‌های عامه‌پسند را بدون در نظر گرفتن یافته‌های علمی و مبانی اصولی و منطقی تدوین و اجرا کنند. از این رو سهم بازنمایی رسانه‌ای جرایم در توسعه جلوه‌های پوپولیسم کیفری بارزتر از دیگر عوامل است و چنانچه جرمی شانس انتشار در رسانه‌ها را پیدا کند، احتمال این‌که تحت تأثیر پوپولیسم جنایی قضایی قرار گیرد، بسیار زیاد است. افزایش بازنمایی رسانه‌ای جرایمی مانند جرایم جنسی، جرایم خشونت‌آمیز، جرایم نوجوانان و جوانان و جرایم مواد مخدر باعث شده این گروه از جرایم به یکی از مهم‌ترین موضوعات از دید افکار

اقتصادی، رقابت و کشمکش‌های سیاسی در مورد کارزار با مفاسد اقتصادی به این موضوع مساعدت شایانی نموده و حاکمیت فضای حساسی را دوچندان کرده است.

حوادث و فسادهای اقتصادی چند سال اخیر و رسانه‌ای شدن آن‌ها و همچنین گفتمان سیاست‌گذاران کیفری نیز سبب نفوذ این رویکرد عوام‌گرایانه در قانون آیین دادرسی کیفری شده است.<sup>۱</sup>

احساسی شدن فضای حاکم بر بحث مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی، باعث اتخاذ برنامه‌ها و سیاست‌های نمایشی و تبلیغاتی در این مورد شده است. برآمد این برنامه‌ها و سیاست‌ها، تشکیل و ایجاد ساختارهای متنوع مبارزه با مفاسد اقتصادی است که نظام عدالت کیفری را تحت فشار مضاعف قرار می‌دهد تا مجری سیاست‌ها و برنامه‌های عامه‌پسند آن‌ها باشد. مقررات تقنینی و فروتقنینی متراکم در این حوزه از سیاست‌های کوتاه‌مدت، موقت و زودبازده سخن می‌راند. تشهیر رسانه‌ای مجرمان اقتصادی طبق تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تشکیل دادگاه ویژه (شعبی از دادگاه انقلاب) با آیین دادرسی ویژه برای رسیدگی به مفاسد و جرایم اقتصادی طبق مصوبه رییس قوه قضاییه با موافقت رهبری و آیین‌نامه اجرایی ۳۵ ماده‌ای مربوط به این استجازه و مصوبه، از جمله سیاست‌های تقنینی و فروتقنینی است که فقط بر شتاب‌زدگی و برخورد شدید تأکید داشته است. به عبارت دیگر در این موارد سیاست کیفری مبتنی بر معرفت عامه است.

## ۲-۲- جرایم علیه عفت عمومی و جرایم خشونت‌بار

یکی دیگر از حوزه‌هایی که پوپولیسیم کیفری در آن نفوذ پیدا می‌کند، جرایم علیه عفت عمومی است، بدین توضیح که سیاست‌گذاران کیفری و متولیان برقراری تأمین امنیت در

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران باعث شده که خصوصیات و پیامدهای این رویکرد به حوزه پاسخ‌های کیفری به مفاسد و جرایم اقتصادی نیز نفوذ کند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۲۴۷)، زیرا ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه‌های نفوذ پوپولیسیم کیفری دارند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۲۴۷).

بانفوذ و قدرتمندبودن بزهکاران اقتصادی، مدیریت مؤسسات خبری از طریق اهرم‌های سیاسی و اقتصادی و پایین بودن نرخ ارتکاب جرایم اقتصادی در غرب، از جمله دلایل، عدم بازنمایی رسانه‌ای این‌گونه جرایم اعلام شده است، اما باید رویت‌پذیری کم جرایم اقتصادی، ضرورت احترام به اصل رقابت آزاد اقتصادی و منع مداخله دولت در این حوزه را به این موارد افزود (ابراهیمی و صادق‌نژاد نآیینی، ۱۳۹۲: ۱۷۴-۱۴۷). اصولاً این امور، حساسیت افکار عمومی را در قبال این جرم کاهش می‌دهد، اما در دهه‌های اخیر، نشانه‌های از حساسیت مردم به جرایم اقتصادی و یقه‌سفیدی و کیفر مرتکبان این جرایم رویت شده است (Zimring & Johnson, 2006: 265-280).

در ایران، خصولتی‌بودن اقتصاد و وضعیت گذار آن، حجیم‌بودن دولت، فقدان ساختار و نظام شفاف و پویا، رانت‌خواری، فقدان سرمایه اجتماعی در حوزه اقتصادی و اجتماعی و نظام انتخابات غیرحزبی و مبتنی بر هزینه‌کرد شخصی فعالان سیاسی و ... ویژگی‌های هستند که نشان می‌دهند نظام اقتصادی ایران کاملاً مستعد جرایم اقتصادی است (حسینی و مهرا، ۱۳۹۴: ۶۹-۴۵).

لذا در سال‌های اخیر تحت تأثیر فضای سیاسی حاکم بر اجتماع، بحث مبارزه با مفاسد و جرایم اقتصادی به یکی از مباحث مهم تبدیل شده است. در این میان، رسانه‌ها نقش به‌سزایی در ایجاد این فضا داشته‌اند. رسانه‌های گروهی از طریق پرداختن به موضوع مفاسد اقتصادی، مبارزه با رانت‌خواری و آقازده‌ها را به‌عنوان یک مطالبه اساسی مردم مطرح کرده و مقام‌های مختلف عدالت‌کیفری را به سمت اتخاذ سیاست‌های عامه‌پسند سوق داده‌اند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۷۶-۷۵). افزون بر آن، وضعیت نابسامان و ملتهد

<sup>۱</sup> در فصل دوم از بخش چهارم قانون آیین دادرسی کیفری تحت عنوان «کیفیت رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان» ماده ۴۴۹ مقرر می‌کند: «دادگاه به ترتیب وصول پرونده‌ها به‌نوبت رسیدگی می‌کند، مگر در مواردی که به‌موجب قانون رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

تبصره: به جرایمی که موجب جریحه‌دار شدن احساسات عمومی شود، با درخواست دادستان صادرکننده، کیفرخواست و موافقت دادگاه تجدید نظر استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.»

که نتیجه آن رسیدگی سطحی و مسکن‌وار به این واقعه بود و به تعبیر دیگر دستگاه قضایی را دچار نوعی پوپولیسم کیفری نمود (آقایی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۱۰).

### ۲-۳- سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در حوزه جرایم مواد مخدر

تعداد فراوان معتادان در ایران و افزایش گرایش جوانان به مواد مخدر باعث شده، معضل اعتیاد به یکی از مسائل مهم و اساسی خانواده‌ها تبدیل شود، به گونه‌ای که در اکثر نظرسنجی‌ها، این موضوع جزء دغدغه‌های اصلی بیشتر خانواده‌ها بوده است. پیش‌بینی طیف گسترده از جرایم مرتبط با مواد مخدر و مواد روان‌گردان صنعتی غیردارویی، مانند وارد کشور کردن، ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید و فروش، نگهداری، اختفا و حمل و اتخاذ سیاست کیفری سخت‌گیرانه در مقابل آن، کاملاً گویای دغدغه و نگرانی جدی در این حوزه در حقوق ایران است و قانون‌گذار این دغدغه را با سیاست کیفری سخت‌گیرانه پاسخ داده است. برای نمونه، در اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر به تاریخ ۱۳۸۹/۰۵/۰۹، ماده روان‌گردان شیشه همانند هرویین در نظر گرفته شد و برای قاچاق، ساخت و ... بیش از سی گرم شیشه، مجازات اعدام پیش‌بینی گردید.<sup>۱</sup> تأکید قانون‌گذار بر مجازات اعدام را باید نوعی واکنش به اخبار و اطلاعات منتشره در رسانه‌ها در مورد رواج مصرف شیشه و مخاطرات ناشی از آن و انجام وظیفه قانون‌گذاری در برابر افزایش نگرانی عمومی نسبت به این پدیده دانست (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۳۱).

اساساً نقش نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ابتلای به این معضل را نباید نادیده گرفت، زیرا ناکارآمدی این نظام‌ها، آسیب‌گرایش به مصرف مواد مخدر را افزایش می‌دهد. برای نمونه، بیکاری و تورم می‌تواند زمینه اعتیاد به مواد مخدر را در جامعه گسترش دهد. سیاست‌های سیال جرایم مواد مخدر به معنای آن است که این سیاست‌ها نیازمند رهبری و راهنمایی روشن و قاطع است. با این حال، سیاست‌مداران عوام‌گرا از آن پرهیز می‌کنند، اما نشانه‌های

جامعه مدعی هستند که تنها راه برقراری تأمین امنیت روانی جامعه و مبارزه با مرتکبین جرایم علیه عفت عمومی برخورد سنگین و خشن با این مرتکبین است و در این بین سیاست‌گذاران کیفری همواره به خواست مردم در این زمینه استناد می‌کنند و مدعی هستند که مردم‌خواهان این برخورد هستند بدون این‌که به نظر نخبگان در این زمینه توجه کنند. بنابراین هنگامی که یک سیاست کیفری سخت‌گیرانه در مورد جرایم علیه عفت عمومی و اخلاق جامعه حاکم باشد و به عبارتی سیاست‌گذاران کیفری از این طریق بخواهند عفت عمومی و اخلاق را در جامعه حفظ کنند، این امر منجر به تصویب طرح‌هایی برای برقراری امنیت روانی در جامعه می‌شود که غیرعلمی بودن، استفاده از عناوین مبهم و کلی از ویژگی‌های این طرح‌ها می‌باشد. همچنین این نگاه سخت‌گیرانه عوام‌گرایانه در زمینه جرایم علیه عفت عمومی و اخلاق در عمل منجر به محدود شدن آزادی افراد و نقض حریم خصوصی آن‌ها می‌شود و همواره اجرای این طرح‌ها با انتقادات جدی همراه بوده است. به عنوان مثال اجرای طرح گشت ارشاد نامحسوس که یکی از مأموریت‌های اصلی این طرح مبارزه با هنجارشکنان اخلاق و عفت عمومی عنوان شده است با انتقادهای زیادی از سوی حقوق‌دانان و افراد جامعه منجر شده است، اما نکته‌ای که در مورد اجرای این طرح‌ها وجود دارد استناد مسؤولان به مطالبات مردم در زمینه اجرای این طرح‌هاست که همین امر ارتباط اجرای این طرح‌ها با موضوع پوپولیسم کیفری را بیشتر آشکار می‌کند، چراکه در پوپولیسم کیفری نیز همواره به مطالبات مردم استناد می‌شود بدون این‌که به بحث‌های کارشناسی و علمی توجهی شود.

اعدام قاتل روح‌الله داداشی که در مطالب قبل به آن اشاره شد، نمونه‌ای از این تسریع در فرایند رسیدگی در یک رویکرد عوام‌گرایانه است، چرا مجرم در کمتر از دوماه اعدام شد (مهدوی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۳۳). از عمده‌ترین مواردی که رسیدگی به این پرونده توجه جرم‌شناسان را به خود جلب کرد، رسیدگی قوه قضاییه به این پرونده بود. بعضی معتقد بودند رسانه‌ای شدن این واقعه باعث مطالبات امنیتی غیرواقعی و بیش‌ازحد مردم و دستپاچگی کیفری دستگاه قضایی شده بود

<sup>۱</sup> - بند ۶ ماده ۸ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹/۰۵/۰۹، بر این موضوع دلالت دارد.

آن‌ها رعایت نشود و این پرونده‌ها به‌صورت سریع رسیدگی شوند. همچنین جرایمی که احساسات عمومی را خدشه‌دار می‌کند، مانند قتل‌های در ملاً عام، تجاوز به عنف و ... تحت تأثیر پوپولیسم، معمولاً رسیدگی به آن‌ها خارج از نوبت صورت می‌گیرد. اعدام قاتل روح‌الله داداشی که در مطالب قبل به آن اشاره شد، نمونه‌ای از این تسریع در فرایند رسیدگی در یک رویکرد عوام‌گرایانه است؛ چرا مجرم در کمتر از دو ماه اعدام شد. در همین زمینه رییس بازرسی کل کشور در جلسه خود با کمیسیون اصل نود، از بررسی خارج از نوبت پرونده‌های ارجاعی سازمان بازرسی کل کشور توسط دادسراها و دادگاه‌ها خبر داده است.

تسریع در فرایند رسیدگی برای پاسخگویی به افکار عمومی، از شگردهای قوانین عوام‌گرا است. در این بین سیاست‌گذاران و مسؤولان برای پاسخگویی به افکار عمومی که از طریق رسانه‌ها نسبت به بعضی جرایم حساس شده‌اند، با تمرکز بر روی آن پرونده خاص، وعده رسیدگی قاطع و سریع به مردم می‌دهند. به‌عنوان مثال در رسیدگی به جرایم اقتصادی، به‌دلیل پیوند با افکار عمومی رسیدگی سریع، هم در گفتمان مسؤولان کیفری و هم در قوانین بیشتر محسوس است. در حکمی که رییس قوه قضاییه به دادستان کل کشور مأموریت داد تا نظارت بر رسیدگی به پرونده بزرگ فساد مالی را برعهده بگیرد، این گفتمان عوام‌گرایانه در مبارزه با جرایم اقتصادی به‌خوبی مشهود است. در این حکم آمده است: «الف- رسیدگی سریع، قاطع و همه‌جانبه به پرونده و شناسایی و تحقیق از کلیه متهمین در هر رده و مقام و کسانی که به هر شکل در تخلفات صورت‌گرفته دخیل می‌باشند؛ ب- درخواست اشد مجازات برای همه کسانی که اتهام آن‌ها بر اساس تحقیقات به‌عمل‌آمده محرز می‌باشد؛ ج- کلیه دستگاه‌های مسؤول اعم از اجرایی، امنیتی و انتظامی، موظف به همکاری همه‌جانبه با دستگاه قضایی بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.» در پایان این حکم هم آمده است: «به ملت عزیز ایران هم اطمینان داده می‌شود که دستگاه قضایی ذره‌ای از وظیفه ذاتی خویش در کشف جرم و تعقیب مجرمان، خصوصاً مفسدان اقتصادی کوتاه نخواهد آمد و علی‌رغم همه کارشکنی‌ها از ناحیه صاحبان قدرت و ثروت به مبارزه بی‌امان با چپاول‌گران اموال عمومی ادامه خواهد داد.»

وجود دارد که نشان می‌دهد که آن‌ها در حال پذیرش درمان بیشتر و کاهش مجازات به‌عنوان راه حل مشکل هستند.<sup>۱</sup> این موضوع، نیازمند یک سیاست قدرتمندانه و فکورانه است که وجود اضطراب عمومی در مورد مواد مخدر را به رسمیت بشناسد. چنین سیاستی تنها در محیطی تحقق می‌یابد که در آن رسانه‌ها و سیاست‌مداران از ایجاد بحران جلوگیری می‌کنند (رابرتز و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۱). به هر روی، حوزه مواد مخدر همواره تحت سیطره سیاست‌های کیفری عوام‌گرا قرار دارد تا دولتمردان و سیاست‌گذاران به‌نوعی خود را پاسخگو به دغدغه‌های مردم در این مورد، معرفی کنند.

### ۳- آثار پوپولیسم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی

#### ۳-۱- تسریع در پاسخ‌دهی‌های کیفری

رسیدگی در مدت معقول یکی از اصول دادرسی عادلانه است، ولی همان‌گونه که گفته‌شده ساده‌سازی مبارزه با پدیده جنایی و تسریع در فرایند رسیدگی به‌دلیل پاسخ به مطالبات مردم از ویژگی‌های قوانین مبنی بر پوپولیسم کیفری است در این بین پرونده‌های جرایم اقتصادی که به‌دلیل پیچیدگی و سازمان‌یافته‌بودن آن‌ها از قطورترین و مفصل‌ترین پرونده‌های کیفری است (مهدوی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۳۳). نفوذ پوپولیسم در مرحله محاکمه و دادرسی کیفری می‌تواند با نادیده‌انگاشتن بعضی از اصول دادرسی بیانجامد. رسیدگی در مدت معقول یکی از اصول دادرسی عادلانه است، ولی همان‌گونه که گفته شده ساده‌سازی مبارزه با پدیده جنایی و تسریع در فرایند رسیدگی به‌دلیل پاسخ به مطالبات مردم از ویژگی‌های قوانین مبنی بر پوپولیسم کیفری است. در این بین پرونده‌های جرایم اقتصادی که به‌دلیل پیچیدگی و سازمان‌یافته‌بودن آن‌ها از قطورترین و مفصل‌ترین پرونده‌های کیفری است (مهدوی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۳۳-۵۳۴)؛ به‌دلیل پیوند خوردن با افکار عمومی ممکن است تحت تأثیر پوپولیسم کیفری اصول دادرسی در

<sup>۱</sup> برای نمونه، مطابق ماده ۱۵ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۸۹/۰۵/۰۹): «متادانی که با مراجعه به مراکز مجاز دولتی یا خصوصی، اقدام به ترک اعتیاد می‌نماید و گواهی تحت درمان و کاهش آسیب دریافت می‌کند، چنانچه تظاهر به اعتیاد ننماید، از تعقیب کیفری معاف است و اگر مبادرت به درمان یا ترک اعتیاد ننماید، مجرم است. همچنین طبق ماده ۴۵ الحاقی به این قانون در تاریخ ۱۳۹۶/۰۷/۱۳ کیفر اعدام و حبس ابد، جزء در موارد شمول افساد فی الارض بر عمل ارتكابی، تقلیل یافته است.»

نظر، ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز متشکل از افراد حائز شرایط استخدام قضات مطابق آیین‌نامه مصوب هیأت وزیران توسط سازمان تعزیرات حکومتی...؛ ج- تشکیل کارگروه نظارتی به‌منظور تسریع در اجرای احکام پرونده‌های قاچاق کالا و ارز توسط رییس قوه قضاییه.»

همچنین ماده ۴۵ قانون مزبور در همین زمینه مقرر می‌دارد: «هرکدام از شعب دادسرا و دادگاه انقلاب اسلامی، تعزیرات حکومتی و شعب تجدید نظر آن‌ها، ظرف یک‌ماه از زمان تحویل پرونده، باید رسیدگی و رأی نهایی را صادر کنند، مگر در مواردی که حسب نوع جرم یا تخلف و علل دیگر، تکمیل شدن تحقیقات نیاز به زمان بیشتری داشته باشد که در این صورت حسب مورد، مرجع رسیدگی‌کننده موظف است علت تأخیر را به‌صورت مکتوب، به مقام مافوق گزارش دهد. عدم ارسال این گزارش موجب محکومیت انتظامی تا درجه سه می‌گردد.»

باتوجه به توضیحات قبل، برای مبارزه با جرایم و تحت تأثیر گفتمان مسؤولان که خواهان برخورد سریع با مجرمان این‌گونه جرایم هستند، قانون‌گذار در یک رویکرد عوام‌گرایانه و غیرعلمی به تدوین این مواد پرداخته است، بدون این‌که به تأثیر آن در مبارزه با جرایم و نقض اصول دادرسی عادلانه که با این تسریع در رسیدگی صورت می‌گیرد، توجهی کرده باشد.

### ۳-۲- برگزاری نمایشی جلسات محاکمه

پوپولیسم کیفری با این تفسیر که ناآگاهی مردم در راستای قطعیت نظام عدالت کیفری در رسیدگی به اتهام‌های متهمان و مجازات محکومان از علل اصلی بی‌اعتمادی آن‌ها است. از جمله راهکارهایی که موجب آگاهی‌یافتن مردم در زمینه نحوه واکنش عدالت کیفری می‌شود، حمایت می‌کند. از این‌رو از تدابیری مثل برگزاری نمایشی جلسات محاکمه افشای هویت متهمان قبل از محکومیت و مجازات‌هایی که باعث آگاهی‌یافتن مردم نسبت به واکنش نظام عدالت کیفری در زمینه اقدامات مجرمانه شده، حمایت می‌شود در راستای این امر حتی برخی اصول حقوق کیفری مانند ممنوعیت برچسب‌زنی و تحقیر افراد اصل شخصی بودن مجازات‌ها و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نادیده گرفته می‌شوند. مطالعه و مشاهده رویه قضایی جرایم خشونت‌آمیز نشان می‌دهد که در

در مورد جرایم تجاوز به عنف و راهزنی نیز که با احساسات مردم ارتباط دارد نیز همین برخورد سریع و قاطع از گفتمان مسؤولان فهمیده می‌شود، اما این گفتمان عوام‌گرایانه فقط برای آرام کردن افکار عمومی است و تأثیری در تأمین امنیت و کنترل جرایم ندارد، چراکه بعدازاین برخورد سریع با این متهمان، نه جرایم در ارتباط با فساد اقتصادی کاهش یافته است و نه جرایم تجاوز به عنف و زورگیری. بنابراین مسؤولان برای مبارزه با این جرایم، باید در پی راه‌های دیگری باشند و از این راه‌های سطحی و مسکن‌گونه پرهیز کنند. تسریع در رسیدگی ممکن است منجر به نادیده‌گرفتن حقوق متهمان شود و برقراری عدالت کیفری که یکی از مهم‌ترین آرزوهای بشری در ادوار گذشته و حال بوده است، محقق نشود، چراکه وقتی هدف تسریع در رسیدگی باشد، برگزاری دادرسی عادلانه که امکان دفاع به متهم می‌دهد، منتفی می‌شود (غفاری و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۸-۱۱۹).

گفتمان تسریع در رسیدگی به‌منظور برخورد قاطع با متهمان در قوانین هم وارد شده است، به‌طوری‌که ماده ۱۱ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که در مباحث قبل به آن پرداخته شد و گفته شد یکی از مصادیق عوام‌گرا است، مقرر می‌کند: «قوه قضاییه مکلف است به‌منظور تسریع در رسیدگی به جرایم موضوع این ماده، شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد.» پیش‌بینی شعب ویژه به‌منظور تسریع در رسیدگی باتوجه به مطالب گفته‌شده، می‌تواند از مصادیق پوپولیسم کیفری باشد، چراکه هدف قانون‌گذار برخورد سخت و شدید با مجرم بوده تا از این طریق بتواند هم پاسخ افکار عمومی را بدهد و هم به مبارزه با جرایمی که احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌کنند، بپردازد (آقایی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۰۹).

مصدق دیگر در این زمینه، ماده ۱۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ است که بیان می‌دارد: «قوه قضاییه و سازمان تعزیرات حکومتی حسب مورد، موظف‌اند به‌منظور تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و ... اقدامات زیر را به عمل آورند: الف- اختصاص شعب ویژه جهت رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز توسط رییس قوه قضاییه؛ ب- اختصاص شعب بدوی و تجدید

کلان و اختکار عمده نیازمندی‌های عمومی و تولیدات مورد نیاز عامه منجر به اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی، شده‌اند و درنهایت پس از صدور کیفرخواست، این پرونده‌ها هم به دادگاه ویژه جدیدالتأسیس برای محاکمه و صدور حکم ارسال می‌گردد. به سخن دیگر، سیاست مورد نظر در این بخشنامه هم، در راستای گسترش قلمرو صلاحیت دادگاه ویژه است. همچنین جرم‌انگاری‌های مستقل «افسادی‌الارض» در پوشش مصادیق کلی و متعدد و «بغی» و تسری صلاحیت دادگاه انقلاب به این جرایم، نمونه‌های دیگری از گسترش قلمرو صلاحیت دادگاه انقلاب در سیاست جنایی تقنینی ایران است.

### ۳-۴- نادیده‌انگاشتن دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه تضمین‌کننده حقوق طرف‌های دعوی است و این امکان را به متهم می‌دهد تا در شرایط برابر با طرف دعوی خود قرار گیرد، به‌گونه‌ای که علاوه بر جلوگیری از تحمیل فشار مضاعف بر متهم، موازنه قوا را برقرار سازد. یکی از این تسهیلات اساسی برقرارکننده موازنه قوا، حق بهره‌مندی از وکیل و مشاور حقوقی است. این حق، به‌عنوان «یکی از مهم‌ترین ابزارها و شرایط فنی که تضمین آن در جهت متوازن کردن طرف‌های دعوا ضروری است» (توسلی نائینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۴-۷۱) و «یکی از مظاهر دادرسی عادلانه» (خالقی، ۱۳۹۷: ۱۸۰/۱) به‌شمار آمده است، البته تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) محدودیتی ناهمگون با سایر مواد و روح حاکم بر حق برخورداری متهم از وکیل وارد ساخت. در اصلاح شتاب‌زده تبصره مورد بحث، حتی محل درست این اقدام نیز رعایت نشد، زیرا ماده ۴۸ به دلالت جایگاه و عبارات به‌کاررفته در آن، ناظر به وظایف ضابطان دادگستری و ملاقات وکیل با متهم در مرحله تحت نظر در جرایم مشهود است و حال آنکه تبصره آن مربوط به مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است که اصولاً در ماده ۱۹۰ بیان شده است (خالقی، ۱۳۹۷: ۱۸۲/۱). وضعیت نابسامان اقتصادی و فضای متلاطم و التهابی حاکم بر آن، باعث شد اصل برابری سلاح‌ها در مرحله محاکمه هم نادیده گرفته شود، به‌گونه‌ای که در مصوبه شتاب‌زده رییس قوه قضاییه، موضوع مداخله وکیل

برخی پرونده‌های مهم دستگاه قضایی با هدف نشان‌دادن اقتدار و قاطعیت در برخورد با متهمان و مرتکبان، به‌صورت نمایشی جلسات محاکمه را علنی برگزار کرده و حتی تدابیری اتخاذ می‌کند که این باور برای مردم ایجاد شود که دستگاه قضایی نسبت به جرم ارتكابی قاطع است روند رسیدگی به پرونده قتل در میدان کاج مصداق بارز این موارد است.<sup>۱</sup>

### ۳-۳- توسعه صلاحیت محاکم کیفری اختصاصی

معمولاً محاکم اختصاصی همواره برای رسیدگی‌های فوق‌العاده و سریع و اعمال تصمیم‌گیری‌های سخت و فارغ از تشریفات دادرسی تشکیل می‌شوند. زمانی که فضای التهاب و احساس بر جامعه حکومت یابد، قلمرو صلاحیت دادگاه‌های کیفری اختصاصی را هم تحت شعاع قرار می‌دهد و به‌نوبه خود گسترش صلاحیت این مراجع استثنایی را در پی دارد. گسترش صلاحیت این مراجع از طریق سیاست جنایی تقنینی و قضایی صورت می‌گیرد. برای نمونه، قانون‌گذار در دوران بحران اقتصادی، از طریق سیاست‌های سخت‌گیرانه مانند تبصره ۵ ماده قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، جرایمی را که به‌عنوان اخلال در نظام اقتصادی تلقی می‌شوند در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است. همچنین مصوبه ۱۲ ماده‌ای اخیر رییس قوه قضاییه (با موافقت رهبری) در مورد تشکیل شعب ویژه دادگاه انقلاب برای رسیدگی به اتهام اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی در چهارچوب قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی آن، نمونه دیگری از گسترش صلاحیت دادگاه انقلاب در سیاست جنایی تقنینی ایران است. در پی این مصوبه، رییس قوه قضاییه، بخشنامه «نحوه رسیدگی به پرونده‌های اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» را صادر کرد که طبق بند ۵ این بخشنامه، دادستان‌ها مکلف به اقدامات تعقیبی در مورد موضوعاتی مانند گران‌فروشی

<sup>۱</sup> - در این پرونده متهم با وضعیت نامطلوب، سر و صورت زخمی، لباس‌های پاره و درحالی که زنجیر به پاهای وی بسته شده بود، در دادگاه حاضر شد. وضعیت ظاهری متهم نشان می‌داد که در جریان تحقیقات قضایی با وی رفتار مناسبی نشده بود، با این حال، متهم با همان وضعیت در جلسه دادگاه حاضر شده و رسانه‌ها تصویر وی را منتشر کردند.

دولتی (تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری) به مرحله محاکمه هم تسری داده شد تا اصل برابری سلاح‌ها در مورد متهمان جرایم و مفسد اقتصادی نادیده گرفته شود و به نوعی با تأکید بر نبردی نابرابر و سرلوحه‌قراردادن الگوی کنترل جرم صرفاً در پی محکومیت متهمان این جرایم باشد تا شاید مرهمی بر دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم باشد و بدین‌سان آرامشی را بر فضای ملت‌هت‌جامعه حاکم گرداند.

#### ۴- راهکارهای تحدید پوپولیسیم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی

راهکارهای تحدید پوپولیسیم در سیاست جنایی در مرحله دادرسی عبارت است از:

##### ۴-۱- ضرورت رویکرد حداقلی

اصل حداقلی‌بودن حقوق جزا (دخال‌ت کمیته حقوق جزا)، استفاده از این شاخه علم حقوق را در موقعیتی مجاز می‌داند که امکان توسل به دیگر ضمانت اجراها، یعنی ضمانت اجرای مدنی و اداری وجود نداشته باشد. حجم و گستره قوانین جزایی در دولت‌های آزادمنش نیز یکی از چالش‌های امروزین حقوق و سیاست است که باوجود متروک‌بودن و بی‌اثرشدن قانون جزایی وضع‌شده، نظام داخلی را با این انتقاد روبه‌رو می‌کند که بی‌دلیل به ابزارهای این شاخه حقوق، روی آورده است. می‌توان گفت جرم‌انگاری پاره‌ای از اعمال و رفتارها که آن‌ها را جرایم طبیعی (قراردادی) نام نهاده‌اند، امری معمول و شایع است، اما ورود به دایره حقوق جزا، در بعضی مواقع، از اصل نسبی‌ت پیروی می‌کند که ریشه آن را می‌توان در اندیشه‌های سیاسی، حقوقی و جرم‌شناختی جستجو کرد. دولت‌های حداکثری و مداخله‌گر، تفکیک دقیقی بین جرم و گناه و انحراف قائل نشده‌اند و ورود به حوزه‌های اخلاق و حریم خصوصی را به بهانه حفظ امنیت دولت و شهروندان یا به‌دلیل القای ایدئولوژی مذهبی و مکتبی خود به شهروندان ضروری دانسته‌اند. از این‌رو دامنه حقوق جزا، به تأثیر از اندیشه حزب سیاسی یا حکمران وقت، گسترش پیدا می‌کند.

یکی از راهکارهای اتخاذ رویکرد حداقلی، حقوقی‌سازی سیاست است. زمانی که سیاست بر حقوق مستولی شود،

دست‌اندازی دولت در حوزه قانون‌گذاری کیفری و قضایی بیشتر می‌شود، لیکن در صورتی که سیاست حقوقی شود، حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به‌گونه‌ای مطلوب تأمین و تضمین می‌شود. بنابراین فاجعه زمانی رخ می‌دهد که حقوق به ابزاری سیاسی و وسیله‌ای برای حکمرانی تبدیل شود، در این صورت، حقوق و آزادی‌های اساسی معنای واقعی خود را از دست می‌دهد و تنها به واژگان کمرنگ و فاقد اعتبار الزام‌آور در برابر قوای حاکم تنزل می‌یابد (کاشفی اسماعیل‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۹۴-۲۵۳). سیاست‌زدگی قوانین، راه را برای عقلانیت قانون‌گذاری سد نموده و قانون را به سلاحی در دست دولت تبدیل خواهد کرد تا به دلخواه خود از آن استفاده کند (دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). درحقیقت، اعتبار یک نظام سیاست‌گذاری جنایی براساس سیاهه بلند آن از رفتارهای جرم‌انگاری شده تعیین نخواهد گردید، بلکه کارایی و مؤثربودن آن بر مبنای توانایی در حفظ و ارتقای نظم عمومی جامعه تعیین می‌شود (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۱۸۱). اگر دغدغه اصلی کارایی در نظام عدالت کیفری، پردازش پرونده‌ها در بازه زمانی کوتاه با هزینه اندک باشد، نظام عدالت کیفری در جهت توسعه دامنه پاسخ‌های نمادین و نمایشی برای قدرت اثرگذاری این نظام گام برمی‌دارد. پس یکی از مبنایی‌ترین دلایل استفاده از جرم‌انگاری‌های نمادین، تأکید بر نقش اعلامی سیاست‌گذاری‌های جنایی است، حتی این موضوع می‌تواند افکار عمومی جامعه را به نفع نظام حاکم سیاسی تغییر دهد، برای مثال، یکی از نویسندگان، از جرم‌انگاری بی‌ژوتاژ در فرانسه، به‌عنوان پیشرفت و تکامل قابل ملاحظه در نظام عدالت کیفری فرانسه یاد نموده است (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۱۸۲). اصولاً گسترش و توسعه مصادیق جرم‌انگاری عملی (اجرایی) در فرایند دادرسی کیفری را باید در این راستا تحلیل کرد. برای مثال عنوان استنباطی «تظاهر به عمل حرام» از ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات ۱۳۷۵) توسط نهادهای عدالت کیفری، موجبات توسعه مصادیق تحت شمول آن را فراهم کرده است. همچنین عنوان استنباطی و کلی «تحصیل مال نامشروع» از ماده ۲ قانون تشدید مجازات اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، توسط مراجع قضایی، کیفری موجبات توسعه نامتعارف مصادیق تحت

آن را مشخص نماید. تعریف و تبیین دقیق و کامل مفاهیم موجب آگاهی بخشی به نهادهای مجری می شود. این امر پیاده سازی سامانه تدوینی را از یک فرایند مکانیکی اداری، که طی آن کارگزاران اجرایی خواسته یا ناخواسته با اقدامات خود سامانه تدوینی را به شکلی تحریف شده به اجرا می گذارند، به فرایندی آگاهانه و منطقی برای بدنه اجرایی تبدیل خواهد کرد. امری که علاوه بر ارتقای برآیند نهایی عملکرد نظام سیاست گذاری جنایی، رعایت حقوق شهروندان در برابر سامانه سیاست گذار و کارگزاران اجرایی را تضمین خواهد نمود (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۳۲۷-۳۲۶). طراحی فرایند دادرسی کیفری، عالی ترین جلوه سازوکار اجرای حقها و تکالیف است. طرح ساختارها و الگوهای اجرایی شفاف به ارتقای کارایی و برآیند مطلوب منجر خواهد شد. برای نمونه، یکی از مهم ترین تدابیر سیاست گذاران در جهت اجتناب از تبدیل روند اجرایی به ساختاری مبهم و فاقد شفافیت، تضمین شفافیت فرایند تحقیقات مقدماتی از طریق ضبط مکالمات صورت گرفته در اتاق بازجویی است (ایروانیان، ۱۳۹۲: ۳۳۷)؛ امری که به طور مستقیم موجب کسب اطمینان از شفافیت روندهای بازجویی می شود یا الزام به حضور وکیل متهم در اتاق بازجویی، به شفافیت در روند بازجویی کمک می کند. همچنین عدم حضور وکیل یا ایجاد ممانعت برای وی و عدم ضبط مکالمات، روند اجرایی تحقیقات را از شفافیت لازم خارج می سازد. حاکمیت فضایی مبهم و فاقد شفافیت، شرایط مساعدی را برای تحت فشار قراردادن متهم و اخذ اقرارهای دروغین در اختیار بازجویان قرار می دهد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، بی اعتباری اثر انگشت شخص دارای قدرت امضاکنندگی برای انتساب تحقیقات به او، در راستای شفاف و سالم سازی روند بازجویی پیش بینی شده است.<sup>۲</sup> علاوه بر آن، الزام دادگاه کیفری یک به ضبط صوتی و تصویری جلسه دادرسی<sup>۳</sup>، در راستای شفاف سازی روند دادرسی

شمول آن را فراهم کرده است، به گونه ای که عضوگیری و فعالیت افراد در شرکت های هرمی تا قبل از سال ۱۳۸۴، در قالب این عنوان مجرمانه مورد رسیدگی قرار می گرفت تا به نوعی با فرد به اصطلاح خاطی برخورد کیفری می گردید<sup>۱</sup>، در حالی که حقوق کیفری، آخرین گزینه و چاره است و نباید در توسعه ناروا و ناموجه آن اقدام کرد و باید دخالت کیفری صورت گیرد که مبتنی بر اصل ضرورت، امکان پذیری و تأثیرگذاری باشد.

#### ۴-۲- شفافیت در دادرسی

تحقق عدالت از سازوکارهایی برخوردار است که یکی از لوازم آن «شفافیت در فرایند دادرسی» جهت تضمین حقوق شهروندان است. در نظام حقوقی ایران اصل بر علنی بودن محاکمات است. یکی از ارکان سه گانه تحقق جرم «عنصر قانونی» و ذکر عنوان مجرمانه در نص قانون است. از این رو قضاوت ها و تصمیم های قضایی بایستی مبتنی بر قانون باشد و قضات بر اساس عنوان مجرمانه مندرج در قانون و با ارائه ادله قانونی رأی خود را صادر کنند. ضوابط، معیارها، تشریفات و آیین دادرسی کیفری در رسیدگی های قضایی باید رعایت گردد. پخش علنی محاکمه ها موجب افزایش کنترل های عمومی و هوشیاری جامعه و افزایش دانش حقوقی و آشنایی بیشتر مردم با سیستم قضایی و جلب اعتماد عمومی در رسیدگی عادلانه و منصفانه وفق ضوابط خواهد شد. یکی از ضروریات شفافیت در دادرسی، شفافیت در قوانین است. واضح و شفاف بودن قوانین از ویژگی های ذاتی قانون است که بدون وجود آنها، اساساً قانون تشکیل نمی شود (راسخ، ۱۳۸۵: ۴۰-۱۳؛ زارعی، ۱۳۸۰: ۶۸-۵۱). زمانی به یک قانون یا فرایند حقوقی شفاف گفته می شود که به راحتی قابل درک باشد. نظام سیاست گذاری جنایی ملزم است تا هریک از مفاهیم به کار گرفته شده را به دقت تعریف کند و دامنه شمول

<sup>۲</sup> تبصره ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «در این ماده و نیز در سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضا و یا اثر انگشت شخص پیش بینی شده است، اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضا نباشد.»

<sup>۳</sup> ماده ۴۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آن ها ممنوع و استفاده از آن ها نیز منوط به اجازه دادگاه است.»

<sup>۱</sup> تا قبل از سال ۱۳۸۴، به علت خلأ قانونی، رویه برخی قضات، شمول عنوان مجرمانه «تحصیل نامشروع» بر این عمل بود و برخی قضات هم به جهت فقدان عنصر قانونی، عقیده بر جرم نبودن این عمل داشتند. مجلس با تصویب قانون ممنوعیت فعالیت شرکت های هرمی مقنن در سال ۱۳۸۴، با افزودن یک بند و یک تبصره به ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹، اقدام به جرم انگاری این اعمال کرد.

را حسب مورد و تحت شرایط مختلف، انعطاف‌پذیر می‌داند تا برای تحمیل خواسته‌های خود با خطوط مانع روبه‌رو نشود. رهیافت‌های حقوقی، مانند پابندی به اصل ضرورت، شفافیت و کلی‌نگری در سیاست‌گذاری جنایی و نیز تأکید بر حقوقی‌سازی سیاست لازم است تا عوام‌گرایی در نظام عدالت کیفری، به‌ویژه دادرسی کیفری مجال ظهور نیابد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی». نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۲(۵): ۱۴۷-۱۷۴.

- ادهمی، جمال و فتحی، سروش (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین دانش علمی جامعه‌شناسی و دانش عامیانه (روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی)». نشریه گروه پژوهشی فرهنگی و اجتماعی (پژوهش‌سکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام)، ۲(۱): ۱۵۷-۱۷۸.

- آقایی‌نیا، حسین و دیگران (۱۳۹۳). *مباشرت و معاونت در قتل عمد و اخلاق در نظم عمومی (حادثه میدان کاج)*. چاپ اول، تهران: نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

و امکان ارزیابی دقیق آن در مراجع قضایی عالی است، لذا پیش‌بینی این موارد گام مهم و مثبتی است که به سلامت و عدالت در دادرسی کیفری کمک شایانی کرده و زمینه برقراری دادرسی منصفانه را فراهم می‌نماید، پس ابهام و عدم شفافیت به تدوین ناخواسته سیاست و برنامه دیگری در کنار سامانه تدوینی می‌انجامد که در تعارض با سامانه مورد نظر قرار دارد. هر اندازه زمینه تفسیرپذیری برنامه بیشتر باشد، شمار سیاست‌ها و برنامه‌های ناخواسته‌ای که در لایه‌های پنهان سیاست‌گذاری صورت گرفته، ایجاد و در مرحله اجرا پدیدار می‌شوند نیز بیشتر خواهد بود، بدین ترتیب نه تنها برنامه مورد نظر اجرا نمی‌شود که حتی سیاست متفاوتی که مقصود برنامه‌ریزان نبوده است، به اجرا گذاشته خواهد شد. با حاکمیت اصل شفافیت، سیاست‌گذاری جنایی از روندی ناهماهنگ و بی‌ثبات و آشفته به فرایندی باثبات و نظام‌مند مبدل می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی سؤال پژوهش نشان داد، پوپولیسم منجر به تشهر رسانه‌ای محکومان و تسریع در امر دادرسی و به‌طور کلی نقض اصول دادرسی می‌شود. در برخی از موارد واکنش‌های کیفری پوپولیستی در محیط هیجانی و احساسی، به‌ویژه پیس از حوادث مهم جنایی، مطرح و سعی دارند تا با توسل به تدابیر کیفری شدید، پدیده‌های مجرمانه را در کوتاه‌ترین زمان ممکن کنترل کنند. مبانی‌ای که باعث به‌وجود آمدن این گونه سیاست‌گذاری می‌شود، احساس ناامنی و ترس عمومی است که از طریق رسانه‌ها و در پی حوادث جنایی در بین افراد جامعه به‌وجود آمده است و سیاست‌گذاران کیفری برای کاهش این ترس عمومی و بدون دخالت‌دادن کامل اصول دادرسی، رویکرد سخت‌گیرانه در دادرسی در پیش می‌گیرند. فرایند دادرسی کیفری، یک روش کشف حقیقت و محل تجلی حق‌های ماهوی است، اطمینان از این‌که رسیدگی قضایی ما را به کشف حقیقت می‌رساند، بستگی به رعایت کامل قواعدی دارد که از پیش به این منظور وضع شده‌اند و این روش هیچ‌گاه نمی‌تواند برحسب مورد تغییر یابد. در دادرسی کیفری تنها راه تضمین یک نتیجه عادلانه و درست، پیروی از قواعد دادرسی است، اما عوام‌گرایی کیفری به این موضوع بی‌اعتنا است و این قواعد

میزان با همکاری مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- غفاری، هدی و عباسی کلیمانی، عاطفه (۱۳۸۵). «مروری بر حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکرد اسناد فراملی». مجله فقه و حقوق خانواده، ۱۵(۴۳): ۱۱۹-۱۴۸.

- فرجیها، محمد و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۵). پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفسد اقتصادی (دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه‌های علوم جنایی). زیر نظر علی-حسین نجفی‌ابرنادآبادی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن (۱۳۸۴). «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی (علل و جلوه‌ها)». نشریه الهیات و حقوق، ۵(۷-۶): ۲۵۳-۲۹۴.

- محسنی، فرید (۱۳۸۶). جرم اقتصادی (دانشنامه علوم جنایی اقتصادی). به کوشش امیرحسن نیازپور، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۰). «پوپولیسم کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران». رساله دکتری به راهنمایی استاد محمد فرجیها، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۲). تعقیب و تحقیق جرم اقتصادی-روش‌ها و ویژگی‌ها (دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی). چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- مهرا، نسرین (۱۳۹۵). ترمیمی شدن عدالت کیفری صغار در انگلستان و ولز در علوم جنایی (مجموعه مقالات). چاپ ششم، تهران: سمت.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵). «آیین دادرسی کیفری-بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها (مجموعه مقالات)». تهران: همایش گروه حقوق جزا دانشگاه بهشتی با همکاری کرسی حقوق بشر- صلح و دموکراسی دانشگاه بهشتی.

- ایروانیان، امیر (۱۳۹۲). نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی. چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

- توسلی نایینی، منوچهر؛ خسروشاهی، قدرت‌الله و نصرالهی، زهره (۱۳۹۵). «اصل برابری سلاح‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». مجله حقوقی دادگستری، ۸۰(۹۴): ۷۱-۹۴.

- حسینی، جعفر و مهرا، نسرین (۱۳۹۴). «نقدی بر مفهوم «جرم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)». فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۳-۲): ۴۵-۶۹.

- خالقی، علی (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری. جلد اول، چاپ سی و هفتم، تهران: شهر دانش.

- دلماس مارتی، میری (۱۳۹۲). پارادایم جنگ علیه جرم-مشروع ساختن امر غیرانسانی (تازه‌های علوم جنایی). ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.

- دهقانی، علی (۱۳۸۹). «رویکرد امنیت‌گرا به دادرسی کیفری (مبانی، جلوه‌ها و چگونگی تعدیل آن با تأکید بر حقوق ایران)». رساله دکتری، تهران: دانشگاه پردیس فارابی.

- رابرتز، جولیان. وی و دیگران (۱۳۹۲). پوپولیسم کیفری و افکار عمومی (درس‌هایی از پنج کشور). ترجمه زینب باقری نژاد و دیگران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- راسخ، محمد (۱۳۸۵). «ویژگی‌های ذاتی و عرفی قانون». مجله مجلس و راهبرد، ۱۱۳(۵۱): ۱۳-۴۰.

- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۰). «حاکمیت قانون در اندیشه سیاسی و حقوقی». نشریه نامه مفید، ۷(۲۶): ۶۸-۵۱.

- شرمک، استیون (۱۳۹۳). پوشش رسانه‌ای بزه دیدگان (دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم). ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). *گفتنمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (هم‌فزایی فقه و حقوق در تحقق عدالت و تعالی انسانی)*. به کوشش نعمت‌الله الفت، چاپ دوم، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

#### ب. منابع انگلیسی

- Hancock, L (2004). *Criminal Justice- public opinion- fear and popular politics*, (Student handbook of criminal justice and criminology). 1<sup>st</sup> ed., Great Britain: Cavendish Publishing.
- Tonry, M( 2001). "Symbol, substance and severity in Western penal policies". *Punishment and Society*, 3 (4): 518.
- Zimring, F & Johnson, D(2006)," Public opinion and the governance of punishment in democratic political systems." *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 25( 605): 265-280.